

مولفه‌های روانشناسی محیط در طراحی مرکز کودکان بی سرپرست

محمد بهزادپور: استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری دانشگاه فنی مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتگرد، ایران

Mohammad.behzadpour@hiau.ac.ir

سید حسن حسینی: مربی و عضو هیئت علمی گروه عمران دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه رجا، قزوین، ایران

h.hoseini@raja.ac.ir

سید سعید زمانی*: دانشجو کارشناسی ارشد، دانشگاه رجا، قزوین، ایران

Mr.saeid.zamani@gmail.com

چکیده

بی سرپرستی از آغاز خلقت وجود داشته است و کودکان بی سرپرست در مرکز نگهداری و به دور از حضور والدین و اعضای خانواده زندگی می‌کنند و برخی از آنان دچار محرومیت و احساس شکست و گاه دچار صدمات و ضررهای روانی می‌شوند. طراحی خانه به عنوان مهم‌ترین مکانی که زندگی انسان در آن اتفاق می‌افتد از اهمیت فوق العاده برخوردار است. جهت طراحی چنین محیط‌هایی ابتدا لازم است تا طراحان شناخت صحیحی از نیازهای واقعی و به خصوص روانی افراد مورد نظر داشته و بر اساس علایق و رفتارهای پیش بینی شده شان در پی شکل دادن به نیازهای مختلف روانی آنها باشند تا بتوانند محیطی مناسب با ویژگی‌های رفتاریشان را که در صدد شکل دادن فضاهای مورد نیاز بر اساس نیازهای مختلف است تجربه نمایند. نقش محیط و عوامل تأثیرگذار بر آن در رابطه با رشد اجتماعی و نحوه ارتباط با محیط و همسالان در هر سنی اعم از کودک باخردسال بسیار مهم و ضروری می‌باشد. که همین، ضرورت به کارگیری اصول روانشناسی محیط در طراحی داخلی و خارجی خانه کودک با توجه به رنگ، فرم و فضا و تغییر پذیری و تداخل فضاهای باز و بسته و بازسازی عناصر محرک طبیعی مانند نور، آب و رنگ به عنوان عامل مؤثر در بهبود رفتارشان را اجتناب ناپذیر می‌کند روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است و نوع آن کاربردی سنظری است و مبنای تئوریک آن براساس مطالعات اسنادی، کتابخانه ای و مطالعات میدانی صورت گرفته است و نتیجه این امر مشاهده تأثیر بسزای آن بر ارتقاء و دلبستگی به بقای زندگیشان و محل سکونتشان، کاهش افسردگی و افزایش امید به زندگی و تقویت انگیزه درونی این عزیزان برای دستیابی و تحقق رویاهای سبزشان می‌باشد."

کلمات کلیدی: کودک، بی سرپرستی، محیط، روانشناسی محیط، فضا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* این مقاله برگرفته از پایان نامه ارشد آقای سید سعید زمانی با موضوع طراحی خانه ایی برای کودکان کار با رویکرد حس تعلق که تحت راهنمایی توسط جناب آقای دکتر محمد بهزادپور به عنوان استاد راهنما می باشد.

۱- مقدمه

کودکان هر سرزمینی، آینده سازان اجتماع خویش هستند، اما همینان زمانی می‌توانند در آینده مملکت خویش به بهترین نحو نقش ایفا کنند، که تحت تعالیم درست خانواده‌ای برخوردار از سلامت روانی و اخلاقی قرار گرفته باشند. امروزه در نقش اصلی و اساسی خانواده و اثرات مثبت یا منفی آن بر کودکانی که در آن رشد کرده‌اند، هیچ تردیدی وجود ندارد. دنیای امروز که با سرعتی سرسام آور در جهان علم و دانش به پیش می‌رود از جهات اخلاقی و معنوی، متأسفانه موفقیتی کسب نکرده و خانواده، رکن اساسی اجتماع، ارزش خود را از دست داده است، آنچنان که اکثر کشورهای دنیا از جمله ایران با معضلی به نام کودکان بی‌سرپرست روبرو هستند. نگهداری از کودکانی که به جهات و علل گوناگون سرپرست خود را از دست داده‌اند، در درجه اول بر عهده دولت‌هاست و به همین سبب در بیشتر کشورهای دنیا مراکز خاص دولتی، سرپرستی و نگهداری از این کودکان را برعهده دارند. در کنار این مراکز، بعضی مؤسسات که توسط اشخاص خیر و نیکوکار تاسیس شده به این وظیفه مهم اشتغال دارند.

اما بدیهی است این مؤسسات و سازمان‌ها به رغم وجود امکانات رفاهی، نخواهند توانست جای خالی خانواده واقعی را نزد این کودکان پر کنند. به همین علت در بیشتر کشورهای قوانینی به منظور حمایت و سرپرستی از این کودکان تدوین و مقوله ای به نام فرزند خواندگی قانونی شده است. تا بتوان این کودکان را به خانواده‌هایی که متقاضی نگهداری از آن‌ها هستند سپرد و آن کودکان را نیز از نعمت درک زندگی در محیط خانواده بهره‌مند کرد. اما از آنجا که تعداد کودکان بی‌سرپرستی که در طول زندگی خود هرگز این شانس را نمی‌یابند تا برای زندگی به یک خانواده خوب و مناسب واگذار شوند کم نیست. تلاش می‌کنیم تفاوت‌های زندگی در یک مرکز شبانه روزی با یک خانواده را شناسایی کرده و علل شکل‌گیری معضلات و مشکلات روحی و جسمی کودکان پرورشگاهی را شناسایی کنیم تا شاید با شناخت نیازهای روحی و جسمی و کمبودهای این کودکان بتوان فضای زندگیشان را به گونه ای طراحی نمود که اندکی از دردها و مشکلات آن‌ها کاسته شود. در کشور ما، اکثر کودکان بی‌سرپرست به سبب حوادث و وقایع گوناگون، والدین خود یا یکی از ایشان را از دست داده‌اند و فاقد اقوام سببی یا نسبی که قادر به سرپرستی ایشان باشند، هستند. پس از گسستن خانواده به سبب طلاق یا مرگ یکی از والدین، بسیار دیده شده که کودکان معصوم به بهانه فقر یا عدم توانایی یکی از والدین یا ازدواج مجدد ایشان، به مؤسسات نگهداری کودکان بی‌سرپرست سپرده شده و از نعمت داشتن خانواده محروم گشته‌اند.

صرف نظر از جنبه انسانی قضیه که زندگی در محیط خانواده حق کودک است جنبه اجتماعی آن نیز اهمیت دارد. چرا که لازمه زندگی در جامعه بر خورداری از حداقل توانایی‌های عاطفی و اجتماعی است، پس اگر مهارت لازم در این کودکان به وجود نیاید، از سویی خود دچار مشکلات عدیده می‌شوند و از سویی دیگر برای جامعه مشکلاتی به بار خواهند آورد. به همین دلیل این موضوع نه تنها توجه پژوهشگران بلکه در سطح وسیع تری توجه کلیه برنامه ریزان اجتماعی و حتی عموم مردم را می‌طلبد.

۲- پیشینه موضوع

طبق نتایج پژوهشی که حسینی در سال ۱۳۸۱ با همکاری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی روی وضعیت کودکان خیابانی در ایران انجام داد، ثابت شد که ۹۵ درصد کودکان خیابانی از جنس پسر هستند و ۹۰ درصد کودکان خیابانی با پدر و مادر زندگی می‌کنند که در بیشتر موارد، والدین آنان بیسوادند و تعداد اعضای خانواده‌شان از پنج تا ۱۰ نفر متغیر می‌باشد و میانگین آنها هشت نفر است. همچنین طبق این پژوهش، ۸۰ درصد خانواده کودکان خیابانی مهاجرند که از این میزان ۴۴ درصد از روستاها و شهرهای دیگر و ۳۶ درصد مهاجران افغانی هستند.

فاطمه قاسم زاده نیز در تحقیقی که در سال ۸۰ با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی روی ۵۸۵ نفر از کودکان کار خیابانی انجام داد، نتیجه گرفت که در زمینه رشد اجتماعی، ۸۰ درصد این کودکان دچار پرخاشگری و خشونت، ۵۰ درصد آنان به سرقت، ۴۱ درصد به خرید و فروش مواد مخدر، ۸۵ درصد به تخریب اموال عمومی، ۵۴ درصد به بی‌توجهی به حقوق دیگران و مشکل در برقراری ارتباط و همچنین ۵۵ درصد این کودکان نیز به بزهکاری تمایل داشته‌اند. طبق نتایج این پژوهش در این کودکان حس حسادت، انتقام جویی و خصومت، بی‌ثباتی و بی‌قراری، بی‌اعتمادی به دیگران، بد بینی و منفی‌گرایی، افسردگی، اضطراب، احساس ناامنی و ترس به وفور دیده می‌شدند.

(افشانی، ۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی» به مطالعه سبک زندگی، فعالیت‌ها، تجربیات، زمینه‌های خانوادگی، ویژگی‌های تحصیلی و خصوصیات رفتاری آنان از نظر ارتکاب جرم و نظایر آن می‌پرداخت. براساس یافته‌های تحقیق، بیشتر کودکان کار و خیابانی مورد مطالعه، پسر، مهاجر، دارای میزان درآمد پایین و والدین معتادو کسانی هستند که توسط والدین مورد آزار جسمی قرار گرفته‌اند و بیشتر به کار دست فروشی مشغول هستند. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان دادند که بیشتر کودکان خیابانی به کارهای انحرافی دست‌زده‌اند، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند، توسط پلیس دستگیر شده‌اند و حتی عده‌ای نیز به زندان رفته‌اند... در نهایت، نتایج تحقیق نشان داده‌اند که ارتباط معناداری بین اعتیاد والدین و آزار کودکان توسط والدین و زندان رفتن والدین با نوع کار کودکان وجود دارد. (وامقی، ۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «مرور نظام مند مطالعات کودکان خیابانی در دهه اخیر در ایران» نشان دادند تعدادی از کودکان خیابانی در خانواده‌های خود تحت آزارهای جسمی، جنسی و روانی قرار گرفته‌اند و بخشی از خانواده‌های کودکان درگیر اعتیاد، حبس، از هم پاشیدگی و بی‌سرپرستی کودکان هستند. مجموعه یافته‌های مربوط به وضعیت اقتصادی کودکان و خانواده‌های آنان شامل اشتغال ۸۰ درصد از کودکان خیابانی به کار، بالا بودن بعد خانوار، شیوع بالای بیکاری و مشاغل کم درآمد پدران، درآمد پایین خانواده و سطح پایین سواد والدین، ارتباط شرایط اقتصادی و فقر خانواده را با ورود کودکان به خیابان تأیید می‌کنند. ترکیبی از عوامل اقتصادی و شرایط نامطلوب زندگی در خانواده، مهم‌ترین عوامل خیابانی شدن کودکان هستند. به علاوه، ورود کودکان به خیابان با مخاطرات جسمی، روانی، اعتیاد و بزهکاری همراه است. لیکن در این زمینه انجام مطالعات بیشتر ضروری می‌باشد.

(افشانی، ۱۳۹۱) در تحقیق دیگری با عنوان «کودکان خیابانی و رویکردهای دولتی» نیز نشان داده بود که با وجود آنکه گرایش به تغییر در سیاست‌های دولتی در خصوص کودکان خیابانی، جمع‌آوری کودکان خیابانی به مراکز و تفکیک کودکان کار خیابانی از کودکان خیابان وجود دارد اما عدم توجه به علل زمینه‌ای، ضعف نظام و ساختار (سیستم) دولتی در جله، اعتماد کودکان برای جذب به مراکز، ضعف در

ارائه خدمات به کودکان کار خیابانی و پیگیری وضعیت کودکان پس از ترخیص: از مراکز همچنان وجود دارد. وی در این تحقیق نتیجه گرفت که کاهش مشکل کودکان خیابانی نیازمند برنامه‌های معطوف به کاهش علل موجد این پدیده، ارزیابی برنامه‌های موجود و ارتقای آنهاست.

(نیازی، ۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «نگاهی به وضعیت کودکان خیابانی در ایران و علل و عوامل آن» نشان داد که در درجه اول، عوامل اقتصادی و سپس عوامل خانوادگی، به ویژه رفتار نامناسب با کودکان نقش مؤثری در ایجاد این پدیده داشته است.

۳- روش تحقیق

بدیهی است برای دستیابی به معیارها و مبانی طرحی که بتواند محیط مناسبی برای زندگی کودکان بی سرپرست فراهم آورده و راه حلی برای معضلات و مرکزی برای احقاق حقوقشان نیز باشد، شناخت کامل و کافی این کودکان، علل بی سرپرستی و ویژگی های روانی و رفتاری شان ضروریست. از سوی دیگر آنها فراتر از همه چیز کودکانی با نیازهای طبیعی سنشان می باشند پس لازم است با توجه به شرایط سنی و خصوصیات عام آنها کودک و ویژگیهای کودکی را بشناسیم. همچنین آشنائی با حقوق و قوانین مربوطه نیز ضروری است. این بخش با تحقیقات کتابخانه ای و بخشی نیز مصاحبه های میدانی با سرپرستان و مربیان این کودکان انجام خواهد شد. در سراسر دنیا می توان نمونه هایی از مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست یافت. که شناخت و بررسی آنها می تواند پروژه را از تکرار خطاهای به اثبات رسیده مصون داشته و نقاط تأکید را روشن نماید. برای این بخش نیز علاوه بر منابع کتابخانه ای، مطالعات آماری بر مبنای آمارهای موجود در سازمان بهزیستی و سایر مراجع و مصاحبه با مسئولین و متخصصین امور نگهداری کودکان بی سرپرست و اطلاع از نظرات آنها در تشخیص روحیات و ویژگیهای این کودکان انجام شده است.



نمودار شماره ۱: روند شکل گیری طراحی (منبع نگارنده)

۴- ضرورت انتخاب پژوهش

اهمیت پژوهش صحیح کودکان به عنوان سرمایه های انسانی هر جامعه بر کسی پوشیده نیست. جریان طبیعی حیات حکم می کند نوزاد انسان در آغوش مادر خویش رشد یابد و تحت حمایت پدر بزرگ شود و در نهایت روزی به عنوان انسانی بالغ پا در میانه اجتماع گذارد. در طی همین دوران است که کودک تحت پرورش و تربیت خانواده خویش توانایی ارتباط و زندگی آزادانه و مستقل را به دست می آورد. این در حالی است که کودکان بی سرپرست با مشکلات متعدد عاطفی، هوشی و رفتاری رشد کرده و بزرگ می شوند و بدون کسب مهارت های لازم برای زندگی و برخورد در اجتماع وارد عرصه عمومی جامعه می گردند. وجود مشکلات شخصیتی متعدد در این افراد سبب شکل گیری روابط غلط و رفتارهای نامناسب با دیگر اعضای جامعه شده و به مرور آن ها به انسان هایی گوشه گیر و منزوی تبدیل می کند. این سرخوردگی و ترد شده گی، گاهی سبب ایجاد حسادتها و عقده های روحی و روانی و همچنین بغض و کینه و انتقام جویی نسبت به تمامی کسانی که مستقیم یا غیر مستقیم مسبب بروز این تنهایی عمیق هستند می شود. چنین انسانی هرگز نخواهد توانست نقش مؤثری در اجتماع خود ایفا کرده و زندگی سلامتی را در پیش گیرد. عموماً بی سرپرستی از مهمترین عوامل ایجاد معضلاتی چون ولگردی، عقب افتادگی در مدرسه و اجتماع، ارتکاب بزه، تبهکاری و جنایت، نابسامانی، بیماری های روانی و فحشاء است. پس چرا به جای آنکه به دنبال راه های سخت درمان این مشکلات باشیم در جهت پیشگیری اقدام نوزیم؟ انتخاب این موضوع نیز در همین راستاست. در واقع با ایمان به اهمیت و نقش مؤثر فضای زندگی در شکل گیری شخصیت کودک به این موضوع به عنوان یکی از راه حل های معضلات این کودکان نگاه شده است. تا با نگاه دقیق به همه نیازمندیها و جنبه های ظریف این ماجرا، تغییری بزرگ در نحوه نگهداری دسته جمعی و سربازخانه وار این کودکان ایجاد کنیم.

یکی از مهم ترین عوامل ایجاد معضلاتی چون ولگردی، عقب افتادگی در مدرسه و اجتماع، ارتکاب بزه کاری، تبهکاری و جنایت، نابسامانی، بیماری های روانی و فحشا در اجتماع بی سرپرستی است.

چنانچه به اهمیت فضای زندگی در شکل گیری شخصیت کودک باور داشته باشیم.

پس معماری فضا یکی از راه های حل معضلات این کودکان است.

نمودار شماره ۲: فضا و راه حل ها و معضلات (منبع نگارنده)

۳- شناخت کودک:

آنچه مسلم است شناخت ویژگی‌ها و خصایص کودک و آنچه در مسیر رشد و تعالی و به ثمر رساندن یک کودک لازم است می‌تواند در طرح محیطی مناسب برای کودکان راهگشا و موثر باشد. در این بخش قبل از بیان هر مطلبی توجه به تعریف «کودک» از دیدگاه صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونسف) ضروری به نظر می‌رسد. براساس این تعریف هر انسان با سن کمتر از ۱۱ سال در ردیف کودکان واقع می‌شود پس سنین نوجوانی هنوز در گروه و زیر مجموعه کودکی و واحد شرایط آنان می‌باشد (شهنام، ۱۳۹۳).

۴- کودک:

آغاز پرورش بسیاری از توانایی‌های انسان در دوران کودکی است و پرورش قدرت تخیل و خلاقیت در این دوره شکل می‌گیرد. پیازه روان کودک را به گیاهی تشبیه می‌کند که از یک سو تحت تاثیر محیط خارجی است و از سوی دیگر از درون و متناسب با نیروهای داخلی به رشد خود ادامه می‌دهد. کودکان همانگونه که رشد می‌کنند ساختارهای شناختی (الگوی تفکر یا عمل) ساده‌ی خود را به ساختارهای شناختی پیچیده تبدیل می‌کنند. طراحی فضای کودکان منطبق با شرایط آنان، به طور قطع بستگی به شناخت کافی از ویژگی‌های رشد آنان دارد. تصور کلی از اندازه‌های بدن کودکان در سنین متفاوت برای تصمیم‌گیری در مورد تعداد کودکانی که می‌توانند در یک فضا استراحت کنند، مثل اندازه میز، صندلی، ارتفاع مناسب دستگیره‌ها، کمد‌های اسباب بازی، دستشویی‌ها، شیرها و... ضروری است. حوزه‌های عمومی مرتبط با دانش علوم رفتاری در مقوله‌های مرتبط با معماری فضاهای کودکان، علاقمندان تا اساس مطالعات خود را بر مبنای نظریه‌های رشد و یادگیری کودکان بنا نهند از این حیث مطالعات بسیاری وجود دارد که در پی شکل دادن فضاهای مورد نیاز کودکان بر اساس نیازهای مختلف روانی آنها باشد (شهنام، ۱۳۹۳).

۵- روانشناسی محیطی

حوزه‌های عمومی مرتبط با دانش علوم رفتاری در مقوله‌های مرتبط با معماری فضاهای کودکان، علاقمندان تا اساس مطالعات خود را بر مبنای نظریه‌های رشد و یادگیری کودکان بنا نهند از این حیث مطالعات بسیاری وجود دارد که در پی شکل دادن فضاهای مورد نیاز کودکان بر اساس نیازهای مختلف روانی آنهاست. بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که ریشه بسیاری از مطالعات موجود به قرن ۱۸ میلادی و با اثر معروف ژان ژاک روسو به نام امیل باز می‌گردد. امیل مانیفست بسیاری از مطالعات بعدی در این بخش است که در سالهای بعد با نظریه‌های یادگیری تلفیق و تکمیل می‌شود؛ نظریه‌های افرادی مانند پوی و یا ماریا مانتسوری که تاثیر بسیاری در نگاه به موضوع کودک و تاثیر ویژگی‌های فضاهایی به موضوع فرا رشد آنها داشت. اهمیت این نظریه‌ها زمانی آشکار گردید که نمونه‌های کالبدی محیط‌های مورد نظر توانستند پاسخ‌های قابل قبولی را به دست آورند. از سویی دیگر در حوزه معماری نیز افرادی مانند هانس شارون، هرمان هرتربرگر، لویی کان، آلدوروسی و... به ساخت مدارس و مراکزی برای کودکان همت گماردند که ریشه گرفته در نظریات مذکور داشت. از سالهای ۱۹۹۰ میلادی به بعد، تلفیق نظریه‌های روانشناسی معماری با نظریه‌های یادگیری در خلق فضاهای مربوط به کودکان - بیشتر مورد توجه قرار گرفت و محققان و طراحان با برقراری پیوند میان ایندو به شاخصه‌هایی در حوزه‌های فضایی، روانی، فیزیکی و رفتاری دست پیدا نمودند. یکی از مهمترین دستاوردهای این مطالعات، تغییر الگوهای سنتی فضایی برای آموزش‌های مورد نیاز کودکان از الگوهای بسته به سوی الگوهای باز بود (جعفری، ۱۳۸۴).

۶- روانشناسی رفتار کودک

دوران کودکی به جهت نقش مهمی که در سرنوشت آینده انسان ایفا می‌کند، فرصت بی‌ظنیری است که نباید آن را از دست داد. فرصت‌های یادگیری در اوایل دوران زندگی کودک آثار مهمی در پرورش توانایی‌های بعدی او دارد، چرا که بیشترین رشد هوشی کودک در ۴ سال اولیه زندگی اتفاق می‌افتد بطوری که این رشد معادل رشد هوشی در ۱۳ سال بعدی زندگی اوست. کودک انسان کوچک است که همه چیز را درک می‌کند و هر دوره از زندگی او وابسته به دوره دیگری است، رشد جسمانی کودک همیشه یک سیر صعودی را طی می‌کند که گاهی سریع‌تر و گاهی کندتر است ولی باید دانست که رشد روحی و اخلاقی کودک همیشه دارای یک روند تکاملی نیست. به عبارت دیگر خصوصیات اخلاقی هر سن همیشه نکات خوب و بد هر دو را داراست و تضمینی برای صعود اخلاقی و روحی همراه با رشد جسمی وجود ندارد. معمولا در بچه‌ها بطور طبیعی اشتیاق به یادگیری وجود دارد. لیکن تا قبل از ۷ سالگی قادر به یادگیری از طریق خواندن و نوشتن نیستند. آنها از محیط زیست خود، از یکدیگر، از بزرگسالان و بچه‌های بزرگتر از خود همواره چیزهایی یاد می‌گیرند. یادگیری کودکان مستمرا در هر زمان و مکان در جریان است و بیشترین میزان یادگیری آنان از طرق فعالیت‌ها و مهارت‌هایی است که توسط خودشان انجام می‌گیرد. کودک در فاصله سنی ۶ سالگی تا آغاز دوره نوجوانی مرحله تجربه و آشنایی با محیط آموزشی را میگذراند و ساعات فراغت خود را معمولا برای جبران ضعف در خواندن، صرف خواندن کتاب‌های غیر درسی می‌کند. در این زمان فراهم آوردن کتب مناسب این سن، می‌تواند علاقه به کتاب را برای همیشه در وجود او فراهم کند. در این سنین جنبه‌های رشد هوشی اجتماعی و عاطفی کودک همچنان در جریان است و تخیل او کم کم رنگ منطقی‌تری به خود می‌گیرد. علاقه کودک به نزدیک شدن به بزرگسالان بصورت تکرار حرکات آنها و علاقمندی به مشارکت در انجام کارهای دستی در آنها به خوبی قابل مشاهده است (افروز، ۱۳۸۹).



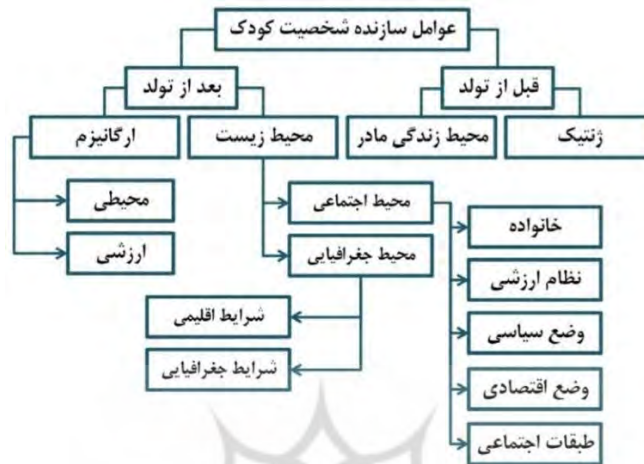
تصویر شماره ۱: کودک و رنگها (معماری زاده، ۱۳۹۵)

۷- عوامل موثر در ایجاد شخصیت در کودکان

شخصیت اگر هم ریشه ارثی داشته باشد ولی بطور قطع متأثر از عوامل بسیاری است که در اثر محیط ایجاد میگردد که مهم ترین این عوامل عبارتند از: **وضعیت جسمانی:** که عاملی ارثی و موثر در شخصیت فرد، اندام، قیافه، سلامتی، نواقص جسمانی، تحریک پذیری حواس، طرز کار کردن غدد داخلی و اعصاب، همگی اثراتی را در حالات روانی شخص دارن که بدون رابطه با شخصیت فرد نیست.

محیط و شیوه بر خورد اطرافیان با آنان: مثلا واگذاری مسیولیت های در خور توانایی های کودکان آنها را مسیولیت پذیر، اعتماد کردن آنان را اجتماعی و بدون وابستگی و همچنین پر خاشگری به کودکان شخصیتی متزلزل می دهد. (اسمارت، ۱۳۶۴)

خودشناسی: شناخت توانایی ها و استعداد ها در شکل گیری شخصیت افراد بسیار موثر است .



نمودار شماره ۳: معرفی عوامل سازنده شخصیت اصلی کودک، قبل و بعد از تولد (معماری زاده، ۱۳۹۵)

۸- فضا، معماری، کودک :

منظور از این فضا، تنها یک محدوده هندسی نیست، بلکه منظور فضایی فعال و تأثیر گذار است که در شکل گیری شخصیت فرد شرکت می کند و خلوت و امنیت و آزادی او را تضمین و محافظت می نماید. این فضا بر حسب سن فرد یا اعمال او کوچک و بزرگ می شود و فرد در این فضا به راحتی خود را می یابد. باید گفت که فضا یک محیط عادی نیست، بلکه یک واقعیت روانشناختی زنده و پویاست. این فضا نباید خود را بر انسان تحمیل کند بلکه باید مناسب با شخصیت او شکل گیرد. دوران صنعتی ابعاد مسئله را پیچیده تر کرده است، پدران ما در فضایی با مقیاس انسانی زندگی می کردند، حال آنکه، آن فضا امروزه تغییر کرده و تکه تکه شده و هویت صنعتی یافته است و هماهنگی چندانی بین انسان و فضای اطرافش به چشم نمی خورد، معماری، هنر ایجاد فضای ساخته شده است و در این زمینه مسیولیت و عملکرد سنگینی را به عهده دارد. عملکرد محافظت: زیرا هر کسی نیاز به یک محل امن و محافظ گرم، صمیمی و خلوت دارد عملکرد ارتباط: زیرا انسان به صورت اجتماعی زندگی می کند و نیاز به ارتباط و مراد به دیگران و شرکت در زندگی اجتماعی دارد. عملکرد زیبایی شناسانه: جهت بیدار کردن حس زیبایی و آرامش روح.

۹- کودکان کار و خیابان

کودکان کار با کارگر به دو دسته تقسیم میشوند: ۱- کودکان کارگر به کار تولیدی یا خدماتی مشغول هستند؛ ۲- کودکان خیابان یونیسف، کودکان خیابانی را به دو دسته تقسیم کرده است: نخست کودکانی که در پی درآمد برای خانواده، در خیابان کار می کنند و میزان ارتباط آنان با خانواده متفاوت است؛ دوم کودکانی که برای آنها خیابان همچون خانه است. آنها در خیابان در پی سرپناه و خوراک هستند و مردم کوچه و خیابان برای آنها جای خانواده را می گیرند از نظر کارشناسان امور اجتماعی و اقتصادی، پدیده کار کودکان، علت های عمده و زیربنایی دارد که از آن جمله می توان به فقر اقتصادی، توزیع ناعادلانه درآمد و اختلافات طبقاتی بسیار در جامعه، عدم دستیابی افراد به کار و شغل نامطلوب در شرایط رونق اقتصادی، مهاجرت وسیع روستاییان به شهرها، گسترش فقر و افزایش هزینه های زندگی، رکود اقتصادی و بیکاری به خصوص در کشورهای صنعتی یا در حال توسعه، قوانین و مقررات ناکافی برای پیشگیری سوءاستفاده از کودکان و یا مقابله با آن و فقدان آموزش و آگاهی عمومی اشاره نمود.

کودکان خیابانی در خیابان با هدف کسب درآمد برای کمک به خانواده یا تأمین مخارج شخصی مجبور به کار برای گذراندن زندگی می باشند، در حالی که فاقد مهارت لازم برای گذران زندگی روزمره هستند و بسیاری از آنان بقاء، مجبور به انجام فعالیت های غیر قانونی مثل گدایی، دزدی، فحشا، پورنو گرافی، قاچاق و توزیع و فروش مواد مخدر می باشند (فلاح و دیگران، ۱۳۸۷). ورود کودکان به خیابان بیشتر معلول شرایط نامطلوب کودکان در خانواده های نابسامان و از هم گسیخته آزار کودک در خانواده و فرار از خانه شمرده می شود (پورکاظمی، ۱۳۸۷). گاهی مجموعه ای از عوامل خانوادگی چون طلاق، بی سرپرستی و بدرفتاری با کودکان در خانواده و مشکلات اقتصادی در پدید آمدن کودکان خیابانی مؤثر شناخته شده اند (رفیعی، ۱۳۸۸). پدیده کودک خیابانی در بیشتر کشورهای جهان، به عنوان یک مشکل اجتماعی شناخته میشود و هنوز تعریف واحدی برای آن وجود ندارد و نتایج تحقیقات نشان میدهند که با توجه به ارزش ها فرهنگ و شرایط مختلف کشورها این تعاریف از کشوری به کشور دیگر متفاوت هستند. کودکان خیابان فقط کودکان بی سرپرست نیستند، بلکه بالعکس، غالباً توسط والدین خود و به خاطر فقر اقتصادی برای امرار معاش، به فروش کالاهای جزئی در خیابان همچون گل، آدامس، فال حافظ، روزنامه و یا انجام کارهایی چون واکس زدن کفش، پاک کردن شیشه های اتومبیل ها به خصوص هنگام چراغ قرمز، تکدی گری و بعضی اوقات انجام کارهای غیر قانونی مثل قاچاق و فحشا اقدام می نمایند. ۹۰٪ از این گونه کودکان دارای خانه و خانواده هستند و در هنگام غروب به خانه خود باز می گردند. کودکان خیابانی به نسبت کودکان عادی بیشتر به اختلال های رشدی، سوء تغذیه،

شکستگی استخوان و کبودی بدن دچار می شوند که همگی از مصداق های اختلال در کارکرد جسمانی کیفیت زندگی به شمار می آیند (طالع پسند، ۱۳۹۰). مشکلات فراوانی برای کودکان ذکر شده است. اعتماد به نفس پایین، انزوای اجتماعی، عدم درک و کنترل مشکلات محیطی از جمله این مشکلات است همچنین اختلالات اضطرابی، خلقی، جسمی و اجتماعی در کودکان کار شایع است. کار کودکان علل مختلفی دارد و ناپیوستگی سطحی به آن نگریند. از جمله عوامل مؤثر بر آن زمینه های فرهنگی و اجتماعی و محیط زندگی کودکان است. همچنین تصور کودک نسبت به خود تحت تأثیر درک او از خود و واکنش های دیگران به او قرار می گیرد که متأثر از متغیرهای گوناگونی نظیر سن، جنس، حمایت های اجتماعی و خانوادگی و... می باشد. بنابراین علاوه بر نگاه اجتماعی و بیرونی به این کودکان باید مفهوم خودپنداری را از زاویه دید این کودکان نیز بررسی نمود که این امر نیازمند تحقیقات گسترده تری است. ۹۵٪ از کودکان خیابانی، پسر و سن آنها بین ۵ تا ۱۸ سال است. حدود ۹۰٪ از کودکان خیابانی دارای پدر یا مادر هستند که اعضای جمعیت خانواده آنها به طور میانگین ۸ نفر است. ۸۰٪ از این خانواده ها مهاجر که ۶۴٪ از روستاها و ۳۶٪ از کشورهای دیگر از جمله افغانستان است که ۴۲٪ از ایشان فاقد شناسنامه هستند.

کودکان خیابانی به عنوان بخشی از سرمایه انسانی هستند که سلامت جسم و روان آنها می تواند نقش مهمی در سلامت جامعه داشته باشد. طبق نظر یونیسف، کودکان خیابانی با واقعیت تلخ جدایی از خانواده و خطر از دست دادن امکانات اساسی همچون آموزش و بهداشت مواجه اند. دونالد استوارت اعتقاد دارد که فقدان یا از دست دادن روابط بسنده با یکی از والدین از نظر بهداشت روانی یکی از بزرگترین مشکلات کودکان خیابانی است. این کودکان با مشکلات بهداشتی، بیماری، حفظ سلامت روانی، مشکلات روانشناختی و عدم پیشرفت تحصیلی مواجه اند (صلاحی، ۱۳۷۹). در ایران ساماندهی این کودکان بر عهده سازمان بهزیستی میباشد. طبق آمار سازمان مذکور، تعداد کودکان کار در سال ۱۳۸۴، ۷۸۴ نفر بوده است. تفاوت فاحش میان آمار کودکان کار که تحت پوشش بهزیستی قرار می گیرند با آمار تخمین زده شده توسط کارشناسان، نشانگر مخفی بودن تعداد قابل توجهی از این کودکان است. بر اساس یک سرشماری انجام شده در کشور ایران، حدود ۱۲٪ از جمعیت ده تا نوزده سال کشور ما فعالیت اقتصادی دارند



تصویر شماره ۲: وضعیت کودکان کار (و معماری زاده، ۱۳۹۵)

۱۰- کودکان بی سرپرست و عوامل بوجود آورنده آن

اگر کودک قبل از سن تمیز و تشخیص و قبل از آنکه بتواند به تنهایی نیازهای حیاتی خود را تأمین نماید اولیاء خود را از دست بدهد بی سرپرست نامیده می شود. مرگ پدر، ازدواج مجدد مادر وعدم پذیرش نا پدری، مرگ مادر، حضور نامادری و مشکلات روابط عاطفی میان کودک و نامادری، و نیز اعتیاد پدر و بی تفاوتی مادر و بستگان را می توان نمونه هایی از بی سرپرستی قلمداد کرد. استفاده از اصطلاح بی سرپرستی به دنبال تحولات اقتصادی - اجتماعی جامعه در نیم قرن اخیر و تغییر کارکردهای سنتی همراه با دیگر اصطلاحات خدمات اجتماعی افزایش یافت. کمک به یتیم از دیدگاه اسلام دارای ارزش بس والایی است و از آن به عنوان یکی از عناصر اعمال ما جور این جهانی و آن جهانی یاد می شود.

۱۱- جامعه و کودکان بی سرپرست

یکی از مهمترین عناصر در رابطه با بچه های بی سرپرست، جامعه است. چهار گونه برخورد از طرف وجود دارد:

- الف) برخورد با ذهنیت منفی و تنفر
- ب) برخورد خام عاطفی یا از روی ترحم
- ج) برخورد بی تفاوت
- د) برخورد مسئولانه و متعهدانه

مشکلات کودکان کار و خیابان

کودکان بدون دلیل مشکلات بهداشتی ناشی از زندگی در خیابان، مستعد ابتلا به انواع بیماریها نظیر سوء تغذیه، کم خونی، بیماریهای گوارشی، سوءاستفاده جسمی، جنسی و بیماریهای عفونی مانند هپاتیت، ایدز و سل می باشند (کایمب، ۲۰۰۸). عوامل مؤثر در ایجاد پدیده کودکان خیابانی، شامل عوامل زیستی و روانی، عوامل خانوادگی، عوامل اقتصادی (فقر، بی عدالتی، بیکاری، فاصله طبقاتی زیاد در جامعه و عوامل فرهنگی - اجتماعی) ترکیب ساختار و ازدیاد جمعیت، مهاجرت، جنگ) می باشد (وست، ۲۰۰۳). این کودکان در تمام جنبه های اساسی رشد مشکلاتی دارند. از نظر رشد جسمی بین ۶۰ تا ۸۴ درصد کودکان خیابانی با مشکلاتی مانند کم خونی، کاهش قد و وزن، گوارشی، پوست، بیماری های چشم و سوء تغذیه رو به رو هستند. از نظر رشد عاطفی بین ۴۰ تا ۸۹ درصد آنان از مشکلاتی مانند احساس بی قراری، افسردگی، ترس و ناامنی و اضطراب رنج می برند. از نظر رشد ذهنی بین ۱۷ تا ۵۶ درصد آنان دارای مشکلاتی مانند بی سوادگی، مشکلات گفتاری، توجه و تمرکز و مشکلات یادگیری هستند. درصد چشمگیری از کودکان خیابانی دچار افسردگی می باشند در دسترس نبودن امکانات تحصیلی هم یکی از مهم ترین علل و مشکل کار کردن است. برای بسیاری از خانواده ها مدرسه کالایی لوکس است که قدرت تهیه آن را ندارند و حتی وقتی تحصیل رایگان است، کودکی که در مدرسه است و کار نمی کند، درآمدش برای خانواده از دست رفته است. (صادقی، زمانی، ۱۳۹۸).



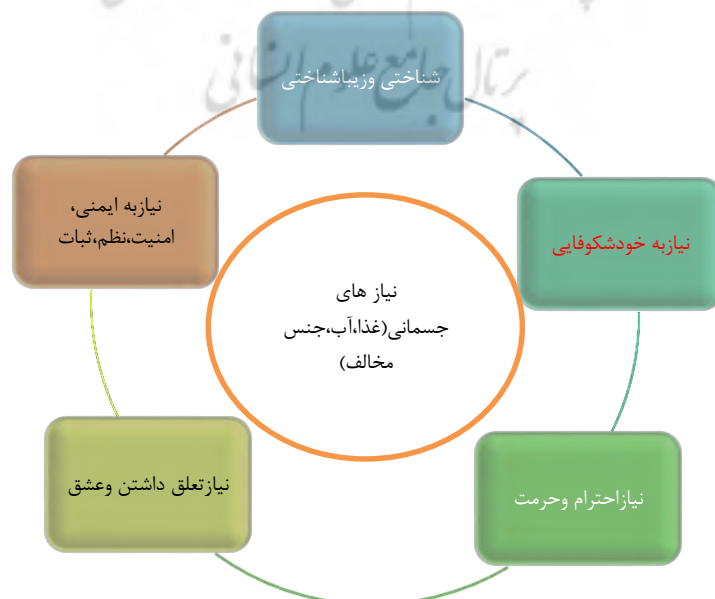
تصویر شماره ۳: وضعیت کودکان کار (معماری زاده، ۱۳۹۵)

۱۲- تفاوت محیط خانواده و خارج از خانواده

کودک در خانواده احساس مالکیت و تعلق را می‌آموزد. از همان ابتدا که اسباب بازی برایش تهیه می‌شود خود را صاحب و مالک آن میدانند. اگر مایل بود آن را به کودک دیگری می‌دهد تا با آن بازی کند و چنانکه مایل نبود عروسک خود را در آغوش می‌فشارد. خودش تصمیم می‌گیرد که وسایل بازی و حتی لباس‌ها را چگونه در قفسه و کمد قرار دهد و به میل خودش آنها را مرتب نماید و همچنین می‌آموزد بدون اجازه به وسایل خواهر، برادر، پدر و مادر خود دست نزند در نگهداری آن کوشا باشد. در حالی که در محیط‌های شبانه‌روزی که بنا به ضرورت، کارکردی اداری دارند جابجایی وسایل و ملزومات نیز ضروری است و حتی محیط زندگی کودکان هر چند سال یکبار تعویض می‌شود و وسایل بازی به صورت دسته جمعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین چنین کودکانی از همان روزهای نخست زندگی که به طور طبیعی شناختی در خصوص پیرامون خود بدست می‌آورند کم‌کم تجربه پیدا می‌کنند که به چیزی یا کسی دلبستگی پیدا نکنند. اعضای خانواده به لحاظ داشتن روابط عمومی در قبال مسائل و مشکلات و سرنوشت یکدیگر مسئول و حساس‌اند و در مقابل هر حادثه و رویدادی از خود واکنش نشان می‌دهند. تجربیات تلخ و شیرین که افراد خانواده با آن روبرو هستند ضمن قوام و تحکیم علائق و وابستگی‌های اعضا، بین آنها روحیه همکاری و تعاون بوجود می‌آورد، چنانکه فردی دچار مشکل شود سایر اعضا احساس مسئولیت می‌کنند و با همفکری و تعاون درصدد رفع و حل آن بر می‌آیند در حالی که در شبانه‌روزی به دلیل نبود اعتماد متقابل و نبودن روابط عاطفی، هرگز با چنین پدیده‌ای برخورد نمی‌کنیم که افراد نسبت به یکدیگر مسئولیت داشته باشند و در مقابل مشکلات و ناراحتی‌های یکدیگر واکنش نشان دهند". کودک با شرکت در مراسم مختلف از جمله عروسی‌ها و سوگواری‌ها و داشتن روابط اجتماعی با دیگران به مرور می‌آموزد که در موقعیت‌های مختلف رفتار مناسب از خود نشان دهد، به دیگران احترام بگذارد و در مواقع ضروری اعلام نظر کند. چنین فردی مبادی آداب، پرورش می‌یابد و به سهولت می‌تواند با دیگران ارتباط برقرار کند و ابراز عقیده نماید و از نظریات دیگران بهره‌مند شود، اگر به عللی در اجتماع تنها شود قادر خواهد بود با اتکاء به نفس زندگی کند در حالی که در محیط‌های پرورشگاهی هرگز این ارتباطات اجتماعی تا این حد امکان پذیر نیست. در نتیجه کودکان بسیاری از روابط و مناسبات اجتماعی را به عینه نمی‌بینند و لمس نمی‌کنند و زمانی که زندگی مستقل خویش را آغاز می‌کنند و از برقراری روابط با دیگران و معاشرت با افراد مختلف جامعه عاجز می‌مانند (تشکری، ۱۳۶۱).

۱۳- شناخت نیاز های انسانی و نیاز های کودکان بی سرپرست

مازلو معتقد است که انسان‌ها نیازهای مختلفی دارند این نیازها نه به صورت بی ارتباط و جدای از هم، بلکه به صورت سلسله مراتبی از نیازها در طول زندگی فرد بروز می‌آیند (پاکزاد، ۱۳۹۱).



نمودار شماره ۴: سلسله مراتب نیاز های انسانی مازلو (پاکزاد، ۱۳۹۱)

۱۴-بستر های مناسب برای کودکان

منظور از طرح و اجرای محیط مناسب برای کودکان ، فراهم نمودن بستر و عاملی مؤثر ، جهت تحقق قابلیت های بالقوه وجودی برای شناختن وجوه شخصیتی و جسمی و تأمین رشد کامل آنان است . به عبارت دیگر نقش محیط فیزیکی در رشد کودک را از یک سو به عنوان بستری برای شکل گیری قالب های فطری و طرح کلی ابعاد وجودی او و از سوی دیگر عاملی مؤثر برای پایه ریزی و گسترش داشته های ذهنی ، محتوای شناخت و مهارت های بدنی ، وی می توان در نظر گرفت ، محیط و بستر مناسب رشد کودکان شامل آن اماکن و مسیرهای ارتباطی است که علاوه بر برآورده به تن مقاصد در نظر گرفته شده برای هر یک پاسخ گوی نیازهای وجودی کودکان در مراحل رشد بوده و با توانایی های آن ها نیز هماهنگ باشد .

کودک برای رشد ، قبل از هر چیز به ارضاء عاطفی و احس پیوند با محیط فیزیکی و اجتماعی خود نیازمند است . بنابراین مشخصه محیط مناسب ، وجود محرکها و انگیزه های لازم و منطبق با هر مرحله رشد کودک است . هنگام طراحی مفیدترین ترفند به منظور ایجاد پیوند عاطفی بین کودک و محیط و جلوگیری از روحیه ناخرسند در او ، در نظر گرفتن وابستگی ها و تمایلات جسمی و عاطفی کودکان در هر مرحله از رشد است . مساله مهم دیگر که در حفظ پیوند کودک با محیط و ایجاد حس امنیت روانی برای او مؤثر است ، وضوح و خوانایی محیط برای کودک می باشد . محیطی که آن را به سهولت درک و تعبیر نماید ، بنابراین یکی دیگر از ویژگیهای محیط مناسب ، انطباق داشتن با توانایی شناختی و ادراکی کودکان است در عین حال که به گسترش طرحهای ذهنی و شناخت آنان یاری رسانده بروز خلاقیت را ممکن می سازد . (بهزادپور ، ۱۳۹۸) .



تصویر شماره ۴: کودکان والدین و نقاشی (منبع نگارنده)

۱۵-تاثیر بستر های محیطی و کالبدی بر کودکان

ویژگی های فضایی (اثرات نور و روشنایی، اثرات سروصدا، تهویه، شرایط حرارتی)

کودکان پیش از دبستان و دبستان حداقل ۶ ساعت از شبانه روز را در محیطهای آموزشی سپری می کنند . بخشی از راحتی جسمی و روانی کودک به محیط فیزیکی مدرسه و یا مهد بر می گردد . عوامل مؤثر بر آسایش عبارتند از: اثرات نور و روشنایی، اثرات نور و روشنایی، شرایط کالبدی، تهویه، شرایط حرارتی، اثرات سر و صدا .

-شرایط کالبدی

رنگ: رنگ به عنوان عنصر تفکیک ناپذیر معماری تاثیر فراوانی بر روحیه و رفتار استفاده کنندگان از فضا دارد و حالات روحی و عاطفی آنان را شدیداً تحت تاثیر قرار می دهد . در مدارس ، رنگ فضاها و تجهیزات آموزشی به دلیل شرایط سنی و روحی کودکان از حساسیت بیشتری برخوردار است . تحقیقات نشان داده است که برای کودکان در سنین پایین رنگ مهمتر از فرم است . در واقع استفاده درست از رنگ می تواند باعث شادابی ، نشاط ، آرامش درونی ، تحرک و تلاش دانش آموزان شود و فرآیند یادگیری را افزایش دهد .

فرم: فرم ها دارای تاثیرات روانشناسانه ای هستند و می توان از طریق فرم معین ، اطلاعات مورد نظر را ارسال نمود . پس فرم باید به گونه ای انتخاب شود که با محتوای فضا هماهنگی داشته باشد .

ابعاد و اندازه ها: استفاده از ابعاد و اندازه های مناسب هر فضا، سطح مورد نیاز برای اجرای فعالیت های آموزشی لازم در هر فضا را تأمین می کند . برای رسیدن به فضای مناسب عملکردی سه عامل مؤثرند :

۱- ابعاد انسانی و شناخت فعالیت های انجام شده در هر فضا .

۲- ابعاد مبلمان و تجهیزات آموزشی هر فضا .

۳- حریم ها و فواصل عملکردی هر مبلمان و حریم های حرکتی و رفتاری .

جنس: جنس از عناصر تعریف کننده فضا است که اهمیت به سزایی در تاثیر کلی فضا بر ادراک آن توسط انسان دارد . در ادراک فضا، حس لامسه پس از بینایی، مهمترین ارگان حسی است . در مورد کودکان موضوع از این هم مهم تر است ، چرا که کودکان از طریق لمس کردن یاد می گیرند و آموزش می بینند .

تزئینات: صحبت از تزئین در معماری نام های بسیاری را به ذهن ما می آورد ، نقش ، زینت ، دکوراسیون ، تندیس ، نقاشی ، گچکاری و به تمامی اینها دارای دو وجه اشتراک هستند ، همگی دارای علائم ادراکی هستند و همگی از جنبه فیزیکی صرف می باشند و نه حتماً ضروری البته این بدان معنی نیست که این عناصر زائدند .

مبلمان آموزشی: با توجه به اهمیت مبلمان در استفاده چند منظوره از فضای آموزشی ، این تجهیزات باید قابلیت لازم برای جوابگویی به روشهای متنوع تدریس را داشته باشد .

نتیجه گیری :

معماران و طراحان شهری امروزه توجه ویژه ای به شناخت روانشناسانه رفتارهای انسان دارند. زیرا این گونه رفتارها با محیط کالبدی ارتباط تنگاتنگی دارد. آنچه روانشناسی محیطی را از سایر شاخه های روانشناسی مجزا می سازد، همانا بررسی ارتباط رفتارهای متکی، بر روان انسان و محیط کالبدی است. لذا توجه طراحان به بررسی روان شناختی فضاهای طراحی شده پیوندی ناگسستنی بین روانشناسان محیطی و آنها ایجاد کرده است. روانشناسان محیطی نیز خود را ملزم به پژوهش در رفتار انسان در محیط روزمره اش ساخته اند تا بتوانند تأثیرات محیط کالبدی را به گونه ای مستقیم و یا غیر مستقیم بر رفتار انسان بررسی نمایند. آنچه روانشناسی محیطی را از سایر شاخه های روانشناسی مجزا می سازد. بررسی ارتباط رفتارهای متکی بر روان انسان و محیط کالبدی است. رفتار واکنشی است در برابر یک عمل یا کنش بیرونی که از موجود زنده سر می زند. رفتار و عملکرد افراد در محیط به میزان قابل توجهی از شرایط و عوامل کالبدی- معماری آن محیط تأثیر می پذیرد و لذا می توان با بهره گیری از قابلیت های محیطی، رفتارهای کاربران را در جهت نیل به اهداف مورد نظر، در دانش روانشناسی محیطی یاد شده سوق داد. طراحان، رفتار انسانی را در تمامی مراحل از زمان آغاز طراحی تا زمان بهره برداری و بازسازی احتمالی به گونه ای مناسب مورد توجه قرار می دهند و بدین منظور در همه مراحل یاد شده، رابطه تنگاتنگی میان دانش روانشناسی محیطی و علوم رفتاری با حوزه معماری وجود دارد. تا با در نظر گرفتن توضیحات داده شده هدف اصلی این پژوهش طراحی مرکز نگهداری کودکان بی سرپرست از شش تا دوازده سال با . . بکارگیری مبانی و معیارهای مناسب طراحی و با در نظر گرفتن روانشناسی محیط از جمله نور و رنگ می باشد تا بتواند محیطی خوب و مفید برای پرورش کودکان بوجود بیاورد و نتیجه این امر مشاهده تأثیر بسزای آن بر ارتقاء و دلبستگی به بقای زندگیشان و محل سکونتشان، کاهش افسردگی و افزایش امید به زندگی و تقویت انگیزه درونی این عزیزان برای دستیابی و تحقق رویاهای سبزشان می باشد.

مراجع

۱. ابولقاسمی، شهنام، (۱۳۹۳) روانشناسی رشد، انتشارات دانشگاه آزاد، تنکابن
۲. جعفری، زهرا، (۱۳۸۴) روانشناسی کودک، انتشارات انتظار سبز، اصفهان
۳. افروز، غلامعلی، (۱۳۸۹)، مباحثی در روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی .
۴. مولی و راسل اسمارت، (۱۳۶۴)، روانشناسی رشد کودکان و نوجوانان، ترجمه سوسن سیف، تهران، انتشارات وحید
۵. تشکری، عباس، (۱۳۶۰)، مقایسه رشد اجتماعی کودکان پرورشگاهی و کودکان که در خانواده زندگی کرده اند، نشریه بازتاب، شماره ۴، سال دوم، تهران .
۶. عنبری، مارال، پردیس فرهنگی اقامتی کودکان بی سرپرست (دختران ۷-۱۲ سال) با رویکرد روانشناسی محیط، پایان نامه، ۱۱۳۱
۷. فلاح، گودرزی، کریمی، اسلامی، (۱۳۸۷) شیوع بیماری های واگیر دار در کودکان خیابانی در تهران، تهران
۸. پورکاظمی، سعید (۱۳۸۸) بررسی وضعیت کودکان خیابانی، علل پیدایش و راه حل ها، مجله اصلاح و تربیت
۹. رفیعی، سجادی، رشیدیان، (۱۳۸۸) بررسی سیستماتیک از کودکان خیابانی در یک دهه اخیر، فصلنامه رفاه اجتماعی شماره نهم
۱۰. طالع پسند، سحر (۱۳۹۰) مقایسه کیفیت زندگی در کودکان عادی و مورد آزار اذیت
۱۱. صلاحی، علی (۱۳۷۹) بررسی ویژگی شناختی، اجتماعی رفتاری کودکان خیابانی تهران، نخستین کنگره ملی مشکلات اجتماعی در ایران .
۱۲. بهزادپور، محمد (۱۳۹۸) بررسی عوامل روانشناسی محیطی
۱۳. صادقی پ، زمانی س (۱۳۹۸) معماری و کودکان کار بررسی مشکلات روانشناختی
۱۴. افشانی، علیرضا، عسکری ندوشن، عباس، حیدری، محمد و نوریان نجف آبادی، محمد (۱۳۹۱). تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی در شهر اصفهان. جامعه شناسی کاربردی، ش ۴۸، ۱۰۲-۸۵
۱۵. وامقی، مروان، سجادی، حمیرا، رفیعی، حسن و رشیدیان، آرش (۱۳۸۸). مرور نظام مند کودکان خیابانی در یک دهه اخیر ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۳۵، ۳۳۷-۳۷۸
۱۶. نیازی، محسن (۱۳۹۰). کودکان خیابانی، تهران: سخنوران
۱۷. معماری زاده، نگار (۱۳۹۵) پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع طراحی مرکز آموزشی کودک بی سرپرست با رویکرد کاهش جرم و جنایت
۸۸. Kayembe PK, Mapatano MA, Fatuma AB, Nyandwe JK, Mayala GM, Kokolomami J, et al. Knowledge of HIV, sexual behavior and correlates of risky sex among street children in Kinshasa, Democratic Republic of Congo. East Afr J Public Health ۲۰۰۸; ۵(۳): ۱۹۲-۲۶۶.
۹۹. West A. At the margins: street children in Asia and pacific region. ۲۰۰۳. p.۱۱.